

عنوان مقاله:

نگاهی به کتاب بینام اعترافات با تکیه بر عناصر اصلی داستان

محل انتشار:

اولین همایش ملی ادبیات داستانی و ترجمه (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسنده:

زهرا راستی - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

خلاصه مقاله:

کتاب بی نام اعترافات از داوود غفارزادگان به عنوان بهترین رمان متفاوت سال 1388 موفق به دریافت جایزه ی ادبی واو شده است. این رمان که با تعدد راوی و تنوع روایت، همراه است، بستر مناسبی برای پژوهنده فراهم میسازد تا با واکاوی برخی از عناصر داستانی، نحوه ی بازتاب محتوا در اثر را تحلیل و بررسی کند. در این مقاله پس از بحث مختصر پیرامون راوی، فرم روایت، شخصیت پردازی و درونمایه، رمان پیش رو نقد و تحلیل می شود. به اعتبار متن، انگشت اشاره ی نویسنده رو به سوی سیاست و شرای اجتماعی حاکم دارد که منجر به فساد و بی اخلاقی ها و محرومیت ها شده است. در کتاب بی نام اعترافات نویسنده با محوریت راوی اول شخص، از تعدد راوی نیز برای روایت، بهره جسته است. دو شخصیت اصلی موازی با یکدیگر داستان را پیش میبرند. راوی بی نام که هم در جایگاه خود و هم به نقل از قاسم سخن میگوید، حقارتها و بی چارگی هایش را با شوخ طبعی و عبارت های تلخ طنزآمیز می پوشاند. در این رمان شرایط حاد سیاسی پیش و پس از انقلاب، آشوبگری اجتماعی را در پی داشته است. فساد اخلاقی، جرم و جنایت، توهین و تحقیر، فقر و فلاکت و... از دستاوردهای اجتماعی آن روزگاران هستند که همه و همه سبب شده عزت نفس را از هر دو شخصیت اصلی داستان سلب کند.

کلمات کلیدی:

کتاب بی نام اعترافات، عناصر داستان، تحلیل، سیاست، آشوبگری اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/880895>

